



چاپ دوم

اسمان پوست
معناری و ادراکات حسی

برهانی پالاسما

ترجمه:

رامین قدس

تصحیح و ویرایش:

علی اکبری



انتشارات پرهام نقش

ویراست دوم - ۱۳۹۳

© همه حقوق محفوظ است.

به و انتشار این اثر مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. هر یک از تصاویر و یا جلد کتاب به هر نحو از جمله: فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در دستگاه الکترونیکی و پخش، بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

سرشناسه: بالاسما، یوهانی، ۱۹۳۶ - م.

Pallasma, Juhani

عنوان و نام پدیدآور: چشمان پوست: معماری و ادراکات حسی / یوهانی بالاسما، همه حسی قدسی؛

نصیح و ویرایش علی اکبری.

وضعیت ویراست: اویراست دوم.

مشخصات نشر: تهران: بهرام نقش، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۱۰۴ ص: مصور.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۲۶-۲۶-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی:

The eyes of the skin : architecture and the senses, 2005.

عنوان دیگر: معماری و ادراکات حسی

موضوع: معماری -- زیبایی‌شناسی

شناسه افزوده: قدس، رامین، ۱۳۵۷ -، مترجم

شناسه افزوده: اکبری، علی، ۱۳۶۴ شهرپور -، ویراستار

رده بندی کنگره: NA : ۲۵۰۰ پ ۵۳۹۳

رده بندی دیویی: ۷۲۰/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۴۵۵۷۵



پرهام نقش

چشمان پوست معماری و اسکناسات

نویسنده: پوهانی پالاسما

مترجم: رامین قدس

تصحیح و ویرایش: علی اکبری

صفحه آرایی: زهره وارثی

مدیریت فنی: وحید ابراهیم آبادی

لیتوگرافی: نادر

چاپ و صحافی: رامین

توبت چاپ: اول ۱۳۹۳ - ویراست دوم

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۲۶-۲۶-۵

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

پیشگفتار

فروشگاه کتاب پرهام: تهران، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان ۱۲ فروردین، پلاک ۲۹۷، تلفن: ۶۶۴۶۸۲۲۵

سیمای دانش: تهران، خ انقلاب اسلامی، ابتدای خ ۱۲ فروردین، پلاک ۳۱۸ - تلفن: ۶۶۹۶۶۱۱۴

کتابافروشی میلان افزار: مشهد، بلوار سجاد، بازار پردیس، تلفن: ۷۶۷۰۸۰۷ - ۵۱۱

دستگاه ثبت حقوق: کتاب به غیر از «میراث» و «حق چاپ» برای «میراث» محفوظ است.

پایگاه اطلاع رسانی: www.parhambook.com

پست الکترونیکی: parhamnaghsh@yahoo.com

فهرست

۷ پیش‌گفتار مبحث

مقدمه

۱۵ یخ شکننده، استیون هال

دیباچه

۱۹ لمس کردن جهان، یوهانی بالاسما

بخش اول

۲۵ بنیایی و معرفت

۳۰ انتقاد به بنیایی محوری

۳۳ چشم‌های پوچ‌گرا و خودشیفته

۳۵ گفتار علیه فضای بصری

۳۷ معماری بنیایی محور و زوال شکل‌پذیری

۴۱ معماری تصاویر بصری

۴۳ مادیت و زمان

۴۶ عدم پذیرش قاب‌بندی آلبرتی

۴۸ چشم‌انداز جدید و تعادل حواس

بخش دوم

۵۲	بدن در مرکز [جهان]
۵۳	نمونه چندحسی
۵۹	انیمیت سایه
۶۱	صمیمیت شنوایی
۶۴	سکونت، زمان، بایو
۶۷	فضاهای بوی
۷۰	شکل لامسه
۷۳	طعم سنگ
۷۴	تصاویر عضلات و استخوان‌ها
۷۶	تصاویر حرکت
۷۸	هویت‌یابی بدنی
۸۱	تقلید از بدن
۸۲	فضاهای حافظه و تخیل
۸۴	معماری حواس
۸۶	وظیفه معماری
۸۸	یادداشت‌ها
۱۰۰	نماینه نام‌ها

پیش‌گفتار مترجم

با گسترش حوزه نظری و معرفت‌شناختی پسا مدرنیسم و جهان‌بینی پسا ساختارگرایی مبتنی بر سوژه مرکززدایی‌شده، به تدریج چارچوب‌های ایندوسنتریسم و پارادایم‌های نظری جدیدی از سایر رشته‌ها وارد گفتمان معماری شدند. از جمله این حوزه‌ها زمین‌شناسی، رهیافتی موسوم به پدیدارشناسی است. در دهه ۱۹۵۰ با رواج انتقادهای دامنه‌دار به مدرنیسم پوزیتیویسمی غالب، بررسی پدیدارشناسانه معماری کمابیش جایگزین فرمالیسم هنری مدرنیسم و زمینه‌ای را برای ظهور زیباشناختی امر متعالی در دوران معاصر فراهم ساخت. این فرآیند به سرعت مورد توجه قراردادن مسأله کنش متقابل میان کالبد انسان و محیط اطراف آن به تفکری فلسفی بدل گشت.

رهیافت پدیدارشناسانه در معماری علاوه بر توجه مجدد به سایت و تکتونیک (زمین ساخت) به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه نزد طراحان معاصر هم‌چون تادائو آندو، استیون هال و پیتر زومتور مکتب فکری بسیار تأثیرگذاری بوده است. پدیدارشناسی از یک سو در تقابل با

تفکر دوباره مبتنی بر ابژه و سوژه دکارتی است چرا که انسان را نه در مواجهه با چیزها، که در کنار و همراه آنها می‌یابد و از دیگر سو مقابل علوم طبیعی است که ابژه در معرض تحلیل را از زمینه کیفی‌اش جدا ساخته و در قالب جهان انتزاعات علمی فرو می‌کاهد. به گفته مارسل دینان: «آنچه از طریق علم ثابت می‌شود خود اشیاء نیستند بلکه تنها روابط بین آنهاست». بنابراین از این روابط هیچ‌گونه واقعیت قابل دریافتی وجود ندارد». بنابراین چیزها پیش از این موضوع شناسایی ما باشند همراه ما هستند و این استدلال، ایده «لوح سفید» مدرن (tabula rasa) را به چالش می‌کشد که هر کنش هنرمندانه اصیل را متعلق به ورای تاریخ و خارج از ساختار و تقابل ادراکات حسی با جهان اشیاء بیرونی می‌داند. لذا در دوران معاصر کشف روابط درونی نیزه‌ها و روابط خارجی آنها با محیط، از طرف معمار واجد اهمیت می‌شود و مورد بازبینی قرار می‌گیرد.

کریستین نوربرگ-شولتز به پیوند شناسی هم‌چون روشی می‌نگرد که «بازگشت به چیزها» را در تقابل با انتزاع‌ها و ساختارها، از یک مدرنیسم ضروری می‌داند. به زعم وی معماری مدرن با ایجاد محیط عملکرد برای مهندسی که «در-جهان-بودن» را امکان‌پذیر نمی‌سازد، بحران معنا را به وجود آورده است. در کنار او معمار جهان را قابل رؤیت و فضامند می‌سازد و حضور آن را در یک «چیز» گرد هم می‌آورد. به یک سخن اثر معماری باز نمودی نیست بلکه حضور می‌یابد یا چیزی را به حضور درمی‌آورد. در تفکر یوهانی پالاسما این رویکرد با اتکا بر ادراکات حسی پنج‌گانه به گرایش مجدد در با کیفیت حسی مصالح، نور، رنگ، قدمت و تاریخچه ماده در زنجیره‌ای از زمان منجر شده است.

یوهانی پالاسما متولد ۱۹۳۶ در هامینلینا فنلاند و استاد معماری دانشگاه آلکمار و ری هلسینکی است. وی از سال ۱۹۶۳ فعالیت حرفه‌ای معماری را در طراحی و برنامه‌ریزی شهری آغاز کرد. پالاسما پیش‌تر مدیر موزه معماری فنلاند (۱۹۸۳-۱۹۷۸) بوده و در دانشگاه‌های مختلف تدریس کرده است.

پالاسما بر پایه مطالعه آثار ادموند هوسرل، مارتین هایدگر و گاستون باشلار دیدگاهی

پدیدارشناسانه در مورد انکاء تجربه بر ادراکات حسی، حافظه، خاطره، تخیل و ناخودآگاه مطرح میکند. پالاسما همانند نوربرگ-شولتز به از دست رفتن قدرت ارتباطی معماری در دوران معاصر معتقد است. به زعم او علم و عقل، ذهنیات محدودی هم چون تجزیه و کمینه‌گرایی یکی بر ادراک بینایی را ارایه کرده که در معماری پیامدهای تأسف‌باری به همراه داشته است. به تعبیر او معنا در معماری به توانایی آن در به نمایش درآوردن حضور انسانی و نیز بر تجربه فضایی متکی است و در این مورد کنت فرامپتون با او هم عقیده است که معماری، موردی بسایی تجربی است و نه تصویرمحور.

پس از انسان‌شناسی و به ابتداء بازنمایی بصری، چشم انسان همانند وجود او به عنوان مرکز جهان ادراک معرفی شد و بینایی را به نوعی ابزار جست‌وجوی علمی بدل ساخت. پرسپکتیو رنسانسی با تأکید بر حواس به ابزاری در جهت بازنمایی دقیق واقعیت و بدل به شالوده هنر، تفکر و علم مدرن شد. اما در نیمه دوم قرن گذشته به تدریج تمایل وافر در به کارگیری حس بینایی که با تقلیل و حذف از رفتن مستمر سایر کیفیات حسی و جسمانی در هنر و معماری مدرن همراه بود با تأکید بر نقش بدن به عنوان مرکز جهان ادراکی به چالش گرفته شد. ناظر بر این رهیافت امروزه شاهد همپوشانی بین ادراکات حسی در زمینه هنر و معماری و انتقادهای دامنه‌دار به تصویرپردازی محض و عین‌گرایی مدرن هستیم. برای مثال آلبرتو پرز گومز عملکردگرایی معماری مدرن را باعث غفلت و توجه به کالبد انسانی می‌داند؛ به زعم وی توجه اصیل به معنای معماری در دوران معاصر را باید با احیاء آگاهانه یا ناآگاهانه کالبد میباشد؛ از سوی دیگر برنارد چومی نیز معماری به مثابه بصری را یکی از تعبیر و تفاسیر تقلیل‌گرایی می‌داند که معماری میبایست آن را کنار بگذارد. هنر دوران مدرن فراتر رود.

یوهانی پالاسما در کتاب پیشین خود تحت عنوان هندسه احساس؛ نگاهی به پدیدارشناسی معماری درباره گشودن منظری به درون واقعیت ثانوی دریافت‌ها، رؤیاهای، خاطرات فراموش‌شده و تخیلات سخن به میان آورده است. در حالی که پژوهش وی در مورد

«ناآگاهی» با امر غریب فرویدی برابری می‌کند «معماری سکوت» او با امر متعالی معاصر عجین شده است.^۱

کتاب موجز و در عین حال فراگیری که در پیش رو دارید طیف وسیعی از هنرهای تجسمی را دربرمی‌گیرد و تحت عنوان تفکر برانگیز «چشم‌ان پست» به طرح دیدگاه و آرایش‌ها، ناب در زمینه هنر و معماری می‌پردازد.

نویسنده در بخش اول کتاب به سبقت تاریخی و آراء و عقاید مطرح شده در مورد ادراک سرکوب‌شدهٔ بساواپی اهمیت آن در تجربه و درک جهان پرداخته و دیدگاهی مبتنی بر ارتباط آن با سبب‌های را مطرح می‌سازد. وی با طرح ایدهٔ جلوگیری عمدی از بینایی تمرکز یافته و جایگزینی آن با بیانی محیطی (غیر متمرکز) معماری را در ارتباط مستقیم با جسمانیت دنیا و کالبد انسانی می‌بیند. سپس با طرح رویکردی تفکربرانگیز تمامی ادراکات حسی از جمله حس بینایی را به عنوان زمینه‌هایی بر حس لامسه - به عنوان مادر تمامی حواس - مطرح می‌کند.

پالاسما در بخش دوم کتاب با طرح جهان‌های نامتعارفی هم‌چون شکل لامسه، طعم سنگ و فضای رایحه (بوایی) با انتقاد از تقابل‌های دیکارتی از برهم‌کنش ادراکات حسی سخن به میان می‌آورد. وی هر تجربهٔ بساواپی معماری را چندحسی می‌داند و بر همین اساس دیدگاهی مبتنی بر تعامل ادراکات حسی را مقابل ادراک بصری متداول از هنر ساخت بنا مطرح می‌سازد. به زعم وی حس لامسه خصوصاً معماری تاریخی، حضور داشته و مورد تأکید قرار می‌گرفته اما با ظهور دوران مدرن گسست عمیق در قلمروی ادراکات حسی پدیدار شده است. بدون شک این دیدگاه پالاسما را می‌توان با روش‌های پدیدارشناسی، فیلسوف پدیدارشناس فرانسوی، دربارهٔ «چندآوایی ادراکات حسی» هم‌بافت. باشلار در کتاب تغزل مکان با نقل نثری از هانری میشو تجربه‌ای از تلفیق حواس را به نمایش می‌گذارد:

«مکان، اما تو نمی‌توانی بیرون و درون ترسناکی را که مکان واقعی است حتی به تصور در آوری.

پاره‌ای سایه‌ها در آنجا برای آخرین بار کمر همت بسته‌اند و ناامیدانه تلاش می‌کنند که در هیئت وحدتی یگانه موجود شوند. اما افسوس بر آنها، من یکی از آنها را دیده‌ام.

ویران از غذایی سخت، به قالب صدایی درآمده بود- صدایی ناهنجار. او دیگر وجود نداشت. اما بی‌کران هم‌چنان او را می‌شنید. او صرفاً به صدا تبدیل شده بود؛ صدایی که قرن‌ها باید به همه‌مش ادامه دهد. اما تقدیر این بود که کاملاً بمیرد؛ گویی که هیچ‌گاه زنده نبوده است».

وی در این جملات سرزنش‌آمیزی میان قلمروهای حسی را از میان برمی‌دارد. به این ترتیب اگر فروگاهش و تقلیل ادراکات حسی در مدرن آسان است از منظر پدیدارشناسی، تأکید بر مبالغه بسیار جذاب‌تر است.

بالاسما تأکید بی‌قید و شرط بر تکنولوژی فقر ادراک محیطی بینایی را عامل به‌وجودآورنده حس بیگانگی در شهرها و معماری می‌داند. تصویرسازی کامپیوتری به مثابه ابزار مؤلف طراحی معاصر که به حذف پدیدار و تقلیل خلق معماری منجر می‌شود با فروکاستن از قدرت تخیل و ادراکات حسی، ادراک بینایی را به چتری زائیده تصاویر بدل ساخته و اشیا را در حد روابط صوری صرف تنزیل داده است. اکنون این پرسش‌های اساسی از این قبیل مطرح می‌شوند که آیا بارش بی‌پایان تصاویر راه‌گشای فرار از بحران معاصر می‌باشد؟ آیا باور به تکنولوژی ابزاری در طول تاریخ مورد تصدیق قرار گرفته است؟ تغییر تکنولوژیک و فن ساختی چگونه بر الگوهای کهن ساخت تأثیر می‌گذارد؟ و اینکه آیا معیارهای زیبایی و ادراک فرم در جهت شناخت پدیدارشناسانه در حال تغییرند؟ شاید از طریق چنین سؤالاتی بتوانیم به معماری‌ای که در جست‌وجوی آن هستیم دست یابیم. نوعی از معماری که هم‌زمان پاسخ‌گوی تخیلات و تمایلات آدمی و تمامی ادراکات حسی اوست و مسلماً در این جست‌وجو

می‌بایست به تکنولوژی‌های جدیدی دست یابد.

این کتاب طیف گسترده‌ای از نظریات فلاسفه، هنرمندان و معماران را دربرمی‌گیرد. لذا به‌منظور درک بهتر خوانندگان در برخی موارد توضیحاتی در پانوشت‌ها افزوده شده است. در انتها ایست ایست است از همه عزیزانی که در این راه مشوق و همراه من بودند قدردانی نمایم؛ خصوصاً سرکار خانم راضیه رحیمی که زحمت مقابله مجدد کتاب را تقبل نمودند، تشکر فراوان دارم.

رامین قدس

پاییز ۱۳۸۷

www.ketab.ir